



روایت زندگی خانواده موحیدیان فرکه منزل شان سال هاست
 میزبان مجالس اهل بیت (ع)، زائران و نیازمندان محله است

۵۴

خانه روضه و خدمت



عکس: نفیسه فرخی / شهرآرا

روایت نگهبانی که با شیوه‌ای متفاوت، دختران و بانوان را به رعایت پوشش حجاب دعوت می‌کند

گلی به اسم وقار



۳

نیمه تمام ماندن بهسازی پیاده‌رو میثم شمالی
 مایه دردسر اهالی شده است
حق فراموش شده عابران

۷

ساعتی با جهادگران زرند که عشق خدمت به
 مهمانان رهبر شهید، آن‌ها را به مشهد کشاند
عطر نان، طعم ارادت

شما می توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۰۳۹۲۵۸۶۶۷ در پیام رسان ایتا بفرستید.

دیدار همسایه ها با خانواده شهید امنیت

وقتی بانوان مسجد پنج تن آل عبا^(ع) محله گاز متوجه شدند خانواده شهید امنیت، بسیجی سید سجاد علوی، در محله هم جوارشان، مسلم شمالی سکونت دارد، تصمیم گرفتند برای عرض تبریک و تسلیت، سرسلامتی و دلجوایی، به دیدار این خانواده بروند. در این دیدار صمیمانه، بانوان مسجد، دقایقی پای صحبت های خانواده شهید نشستند و با گرامیداشت یاد و خاطره سید سجاد علوی، از صبر و استقامت آنان قدر دانی کردند. سید سجاد علوی، در شب مراسم تشییع رهبر شهید ایران، هنگام انجام مأموریت و خدمت به مردم به شهادت رسید.



مشارکت محلی در نذر ۲۰۰ عروسک

محمد رضا فیضی | در نخستین جمعه ماه صفر و به یاد طفل سه ساله امام حسین^(ع)، فعالان فرهنگی مسجد امیرالمؤمنین^(ع) در محله مسلم شمالی، روضه ای برپا کردند و در آن، به دخترکان حاضر در مراسم، عروسک هدیه دادند. چند روز پیش از برگزاری مراسم، فراخوان پویش برای دوخت عروسک در فضای مجازی محله منتشر و از خیران و اهالی دعوت شد در نذر دویست عروسک برای کودکان مشارکت کنند.

در این میان، نذر برخی از خیران حال و هوای متفاوتی داشت؛ افرادی که سال ها چشم انتظار مادر شدن بودند و پارسال، با توسل به حضرت رقیه^(س) فرزند دار شده بودند، امسال به نذر خود عمل کردند و جزو بانیان عروسک ها شدند.

کتاب، گفت و گو، رفاقت

دختران نوجوان پایگاه بسیج فدک در محله سپس آباد، هر هفته در قالب یک دورهمی فرهنگی، گرد هم می آیند و بخشی از یک کتاب را با هم می خوانند و درباره آن گفت و گو می کنند. در تازه ترین نشست این جمع که با حضور شانزده دختر نوجوان برگزار شد، بخش هایی از کتاب «سلام بر ابراهیم»، روایت زندگی و خاطرات شهید ابراهیم هادی، جمع خوانی شد. به گفته فاطمه ارضی، فرمانده پایگاه فدک، این دورهمی های هفتگی، فرصتی است تا دختران نوجوان ضمن آشنایی با الگوهای موفق، در فضایی صمیمانه به گفت و گو، همفکری و تبادل نظر درباره کتاب بپردازند.

حمایت از خانواده های خوش جمعیت

معصومه برزونی، فعال فرهنگی محله طبرسی شمالی، برای کاهش بخشی از هزینه خانواده های دارای فرزند، با تولید کنندگان پوشک نوزاد و کودک گفت و گو کرد تا این محصول بدون واسطه و با قیمت مناسب به دست خانواده های پر جمعیت برسد. او با حذف واسطه ها، امکان خرید پوشک با قیمت کمتر از بازار را برای این خانواده ها فراهم کرده است؛ به طوری که قیمت برخی از محصولات، حدود ۲۰ هزار تومان کمتر از نرخ بازار است.



بانوان محله مهرگان در مسجد «مصلای آسمان» مهارت های زندگی را می آموزند

تمرین مهربانی زیر سقف مشترک

هفته گذشته، کلاس مهارت های زندگی با حضور بانوان محله مهرگان در مسجد مصلای آسمان برگزار شد. در این نشست، موضوع «محبت معقولانه در زندگی زنانه» محور گفت و گو ها بود و شرکت کنندگان با اهمیت ابراز محبت همراه با شناخت، احترام و تعادل در روابط خانوادگی آشنا شدند. کارشناس خانواده در این جلسه با تأکید بر اینکه محبت آگاهانه یکی از پایه های استحکام خانواده است، راهکارهایی برای افزایش صمیمیت، حفظ آرامش در زندگی مشترک و تقویت ارتباط میان همسران ارائه کرد. همچنین درباره نقش گفت و گو و مؤثر، همدلی و توجه به نیازهای عاطفی اعضای خانواده مطالبی بیان شد.



ساخت و سازهای بی مجوز زیر ذره بین

اداره فنی مهندسی و نظارت بر ساخت و سازهای شهرداری منطقه ۳ در سه ماه اول امسال، ۲۷۰۰۰ خطای برای ساخت و سازهای غیرمجاز صادر کرد که در پی آن، ۱۰۸ مورد به دلیل مغایرت با ضوابط شهرسازی پلمب شد. همچنین ۷۸۴ پرونده تخلفات ساختمانی به کمیسیون ماده ۱۰۰ ارجاع و ۸۷ مورد نیز پس از طی مراحل قانونی فک پلمب شد.

کانال های منطقه ۳ در وضعیت بهداشتی مناسب

اداره خدمات شهری شهرداری منطقه ۳ مازاد امسال، ۶۱ هزار و ۸۰۰ متر طول از کانال های روباز و سرپوشیده هدایت آب های سطحی را لای روبی و تخلیه کرد. همچنین ۱۰ هزار و ۳۰۰ توبت شست و شو و محلول پاشی مخازن زباله انجام شد. این اقدامات با هدف پیشگیری از آلودگی معابر و ارتقای بهداشت شهری صورت گرفته است.

برخورد با متخلفان صنفی ادامه دارد

در سه ماهه نخست سال ۱۴۰۵، شهرداری منطقه ۳ مشهد با تشدید نظارت بر اصناف، برای ۲۴۱ واحد صنفی متخلف پرونده تشکیل داد و ۳۰۷ خطای قانونی صادر کرد. همچنین پس از طی مراحل قانونی، ۲۱۸ واحد صنفی پلمب شد. این اقدامات با هدف سامان دهی فعالیت اصناف، کاهش مزاحمت های شهری و حفظ حقوق شهروندان انجام شده است.

شهر خبر



نیمه تمام ماندن بهسازی پیاده رو میثم شمالی
مایه دردسر اهالی شده است

حق فراموش شده عابران

فرزانه شهامت | جوان باشید و چهار ستون بدنتان سالم، شاید سختی عبور از پیاده رو میثم شمالی را به جان بخرید اما با کھولت سن، عصا، ویلچر، چرخ دستی خرید یا کالسکه کودک، فکر عبور از این پیاده رو را از سرتان بیرون می کنید. رهگذران این معبر با چشم پوشی از حقشان به عنوان عابر پیاده، راه را به سمت سواره رو و خطرهایش کج می کنند. کافی است چند دقیقه برای بررسی وضعیت پیاده روهای خیابان میثم شمالی، حد فاصل کوچه ۳۹ صرف کنید تا به کسبه و عابران پیاده این معبر به خاطر گلایه هایشان حق بدهید.



● ● خیری که به ما نرسید

مغازه عباسعلی معموری، تادکان پیرمرد پرند فروش فاصله دارد. با این حال، درد دل ها و حرف هایشان از یک جنس است. او هم پیچ خوردن پای عابران پیاده به ویژه افراد پایه سن گذاشته را بارها دیده و غصه خورده است. کاری که از او برمی آمد، این بود که وقتی از دفتر تسهیلگری محله و مسجد امام حسن (ع) برای نوشتن استشهاد آمدند، پای آن را فوری امضا کند. شاید نتیجه آن امضاها، پروژه ای بود که یک ماه مانده به نوروز پارسل اجرا شد و نتیجه اش بهسازی پیاده رو تا ابتدای کوچه میثم شمالی ۳۹ بود اما هر چه بود، خیر آن به او و دیگر اهالی که در کوچه های بالاتر ساکن هستند، نرسیده است.

جواب بقیه سؤالاتمان «نمی دانم» هایی است که خودش را هم کلافه کرده است؛ اینکه چرا پروژه متوقف شد، آیا بناست از سر گرفته شود و... .

● ● شاید وقتی دیگر

معاون اجرایی شهردار منطقه ۴ بهسازی پیاده روهای خیابان میثم شمالی را تعریف شده در قالب پروژه های زود بازده یک، عنوان می کند و اتمام اعتبار را دلیل توقف آن می داند. هادی محمدی منش در پاسخ به سؤال مامینی بر زمان بازگشایی مجدد اعتبارات، می گوید: در هفته جاری، ردیف های اعتباری پیشنهاد شده طی امسال را بررسی می کنم و نتیجه را از طریق شهرآرامحله به اطلاع اهالی محترم منطقه می رسانم.

● ● هر سال، بدتر از پارسل

چهارده است که در محله رده، زندگی و کاسبی دارد؛ در مغازه کوچک پرند فروشی و هم نشین باقناری ها، مرغ عشق ها، طوطی ها و فنج ها. اهالی خیابان میثم شمالی، همسایه قدیمی شان، عباس مشهدی محمد را به «عباس تهرانی» می شناسند. او چند دهه گذر عمر خود را در این معبر، زیر و رو می کند و با اطمینان «نه» تحویل می دهد. از او درباره وضعیت این پیاده رو نا هم سطح با انبوه پستی بلندی ها پرسیده ایم و اینکه آیا خاطره ای از بهسازی پیاده رو دارد. پیرمرد، دستی به موهای ماشین شده اش می کشد و با ته لهجه ای تهرانی می گوید: والا تو ای این مدتی که من اینجا بوده ام، آباد که نشده، خراب تر هم شده است. ما مردم هزینه کردیم و هر کس جلو خانه و مغازه خودش را موزاییک کرده بود. هزارگانی آمد یک پروژه ای اجرا کرد و بخشی از موزاییک ها را از جاکند. آب و فاضلاب یک جور، شهرداری و بقیه جور دیگر، روی صندلی که توی پیاده رو گذاشته است، جابه جایی شود و از مردم می گوید که به جرم عبور از این پیاده رو زمین خورده اند و آسیب دیده اند یا هر بار، به مکافات از آن عبور کرده اند؛ «یکی از همسایه ها، سخته کرده است بنده خدا. هر بار که می خواهد از آن گودی نیم متری نزدیک میثم شمالی ۴۳ بیاید بالا، باید دستش را به در و دیوار و لوله گاز، بند کند. زن و بچه مردم می آیند با کالسکه رد شوند، مکافات دارند و یکی باید سر کالسکه را برایشان بگیرد.» او از همسر ناتوانش می گوید که چند بار، تجربه زمین خوردن در این پیاده رو را دارد و هر بار، با دواهای خانگی، ورم و کبودی پاهایش را خوابانده است.

مطالبات ۱۱ محله روی میز شهردار منطقه ۴

شهردار منطقه ۴ مشهده به همراه معاونان این منطقه در نشست با اعضای شوراهای اجتماعی محلات منطقه ۴ مسائل و اولویت های محلات را بررسی کرد. در این نشست، نمایندگان شوراهای اجتماعی، مهم ترین درخواست ها و نیازهای محلی را مطرح و راهکارهای ارتقای خدمات شهری و تقویت تعامل میان مدیریت شهری و شوراهای اجتماعی را بررسی کردند.

شهر خبر

۴

تقویت درختان منطقه ۴ در روزهای گرم سال

شهرداری منطقه ۴ مشهده با هدف کاهش تنش های ناشی از گرمای هوا، عملیات تغذیه ۱۲۰۰ اصله درخت را در بوستان ها و معابر این منطقه اجرا کرد.

در این طرح، درختان گونه های نارون، چنار و صنوبر با استفاده از محلول های تخصصی تغذیه شدند تا مقاومت آن ها در برابر گرما افزایش یابد و شادابی فضای سبز حفظ شود. این عملیات در بوستان های بسیج، ارم و بهشت و همچنین حاشیه بزرگراه شهید باانظر انجام شده است.

اجرای این اقدامات پیشگیرانه، بخشی از برنامه های مدیریت فضای سبز برای حفظ سلامت درختان و ارتقای کیفیت محیط زیست شهری در فصل گرمابه شمار می رود.

محمدرضا فیضی | سرپرست اداره فضای سبز شهرداری منطقه ۴، از اجرای طرح آبیاری زیر سطحی در بوستان بسیج محله تلگرد و بوستان نرگس محله التیمور برای ۱۲۲ درخت چنار خبر داد. به گفته مهدی ضیغمی، آبیاری زیر سطحی از پیشرفته ترین شیوه های آبیاری فضای سبز به شمار می رود که در آن، آب از طریق لوله ها و تجهیزات ویژه، مستقیم به محدوده ریشه درختان هدایت می شود. این روش ضمن کاهش تبخیر آب و افزایش راندمان آبیاری، از رشد علف های هرز نیز جلوگیری کرده و شرایط مناسب تری برای رشد درختان فراهم می کند. او با اشاره به نصب دقیق شبکه آبیاری در زیر سطح خاک افزود: استفاده از این فناوری، توزیع یکنواخت آب را ممکن می سازد و نقش مؤثری در مدیریت بهینه منابع آبی دارد.

به گفته سرپرست اداره فضای سبز شهرداری منطقه ۴، توسعه این شیوه نوین، علاوه بر صرفه جویی در مصرف آب، به حفظ شادابی فضای سبز شهری و ارتقای کیفیت محیط زیست محلات نیز کمک خواهد کرد که این طرح در بوستان بسیج برای ۱۸۰ اصله درخت و در بوستان نرگس برای ۴۲ درخت اجرایی شده است.



شهرداری منطقه ۴ طرح آبیاری زیر سطحی را برای ۱۲۲ درخت آغاز کرده است

آبیاری هوشمند در دوران کم آبی

روایت زندگی خانواده موحدیان فر که منزل شان سال هاست میزبان مجالس اهل بیت (ع)، زائران و نیازمندان محله است



خانه روضه و خدمت

زهرا شریعتی | از نوکری درت مراسپیر مکن / جز بر در این خانه مرا پیر مکن / من منتظر توام شب اول قبر / سوگند به جان مادرت دیر مکن. این نوشته نخستین چیزی است که روی سر در خانه به چشم می آید. در قدیمی سه لای با رنگ و رویی که سال ها از عمرش می گذرد، پرچم هایی که در مناسبت های مذهبی برپا می شوند و پارچه نوشته ای مشکی با عبارت «إِنَّ الْحُسَيْنَ مَصْبَاحُ الْهُدَى وَ نَفِیْنَةُ النَّجَاةِ». هر رهگذری رابه این تصور می اندازد که به ورودی یک حسینیة قدیمی رسیده است.

با باز شدن در، حیاطی کوچک با دیگ ها و اجاق هایی که گوشه آن جا خوش کرده اند، این تصور را پررنگ تر می کند؛ اما اینجا نه یک حسینیة، بلکه خانه ای در محله شهید قربانی است که سال هادارش به روی روضه، عزاداری و خدمت به اهل بیت (ع) گشوده است؛ خانه ای که اهالی محل، آن را بیش از آنکه یک منزل مسکونی بدانند، حسینیة ای در دل یک خانه می شناسند.

از خدمت در روضه های خانه پدري تا هیئت داری

۱ جواد موحدیان فر، مالک پنجاه و شش ساله این خانه، از وقتی یادش می آید در روضه مهمان داری می کرد؛ حتی وقتی هنوز نمی دانست این مهمانی، برای چه و نامش چیست. اما برایش جذاب بود، آن قدر که از همان زمان کمک دست آشپز هیئت می ایستاد؛ چهار پنج ساله بود که در روضه های خانه پدري که خانه کنار منزل ماست، قنداق می چیدم و پذیرایی می کردم، بی آنکه بدانم این مهمانی برای چه یا نامش چیست. آن قدر برایم جذاب بود که با همان سن کم، کمک دست آشپز هیئت آل طه نوغان می ایستادم. بزرگ تر که شدم، فهمیدم این ها برای روضه امام حسین (ع) است و برای اینکه بیشتر آشنا شوم، هیئتی و پای ثابت منبر شدم.

از پنج سالگی در محله شهید قربانی زندگی کرده است. سال ۱۳۶۰ به عضویت بسیج درآمد و از سال ۱۳۶۴ نیز راهی جبهه های دفاع مقدس شد. پس از پایان جنگ به مشهد بازگشت، تشکیل خانواده داد، اما فعالیت های فرهنگی و اجتماعی اش را رها نکرد. دغدغه اش این بود که نوجوانان و جوانان محله، پای ثابت مسجد و هیئت باشند. همین دغدغه باعث شد همراه چند نفر از دوستانش، سال ۱۳۸۰ هیئت «محبان مهدی زهرا (س)، رادر مسجد النبی (ص) راه اندازی کنند.

موحدیان فر درباره آن روزها می گوید: محله شهید قربانی با وجود جمعیت زیاد نوجوانان و جوانان، از نظر فعالیت های فرهنگی و مذهبی شرایط مطلوبی نداشت. برای همین تصمیم گرفتیم با تشکیل هیئت، فضای مسجد را فعال تر و جوان ها را دور هم جمع کنیم.

به گفته او، فعالیت ها به برگزاری مراسم مذهبی محدود نماند و به مرور، گروه جهادی «شهید کاوه» نیز با همراهی اعضای هیئت و پایگاه بسیج شکل گرفت؛ «در این سال ها برای خانواده های کم برخوردار خانه ساختیم، در رفع مشکلات زیرساختی برخی محلات مانند آب، برق، آسفالت و پیاده رو نقش داشتیم. در دوران کرونا به مردم خدمت رسانی کردیم و در کنار همه این ها، تلاش کردیم جوانان بیشتری را به مسجد و هیئت جذب کنیم.» ادامه می دهد: بعد از شکل گیری کارگروه اجتماعی، با همکاری شهرداری، پیگیر رفع مشکلات عمرانی و آسیب های محله شدیم و مطالبه گری را هم در دستور کار قرار دادیم. خوشبختانه هیئت های این منطقه همیشه کنار هم بوده اند و به جای تک روی، با همفکری و همکاری تلاش کرده ایم کارهای ماندگارتری برای محله انجام دهیم.



میزبانی جوانان و نوجوانان محله در چای خانه حضرت

۲ فعالیت های جواد آقا و دوستانش به برگزاری مراسم هیئت در محله محدود نماند و به مرور، مسیر خدمت راتا چای خانه حضرت رضا (ع) ادامه دادند. می گوید: دیدم خیلی از بچه های هیئت علاقه دارند خادم حرم باشند و از طرفی برای ادامه این مسیر فرهنگی، هیچ پشوانه ای بالاتر از توسل به امام رضا (ع) نیست. به همین دلیل هماهنگ کردیم تا تشکیک دوم چای خانه باغ رضوان، از عصر تا پایان شب، به طور کامل به اعضای هیئت های محله میثم و پنجتن سپرده شود. امروز حدود ۱۶ نفر در این خدمت مشارکت دارند. به گفته او، حضور در چای خانه حرم تنها به خدمت رسانی به زائران ختم نشده و برکات اجتماعی فراوانی نیز به همراه داشته است؛ «این خدمت هم باعث انس بیشتر خادمان با اهل بیت (ع) شده و هم زمینه مشارکت مردم و خیران رادر کارهای خیر فراهم کرده است؛ از آزادی چند زندانی و تهیه جهیزیه زوج های جوان گرفته تا تأمین ودیعه مسکن برای خانواده های نیازمند.» موحدیان فر با اشاره به روزهای آغاز جنگ تحمیلی سوم و شکل گیری تجمع های خودجوش مردمی نیز می گوید: جلسات هیئت را از مسجد به خیابان آوردیم. همان شب اول در طبرسی ۴ برنامه برگزار شد و کم کم مردم محله هم به این حرکت پیوستند. او ادامه می دهد: در روزهای برگزاری مراسم تشییع رهبر شهید نیز همراه دیگر هیئت های منطقه، چند مدرسه، حسینیة و سالن ورزشی را برای اسکان و پذیرایی از عزاداران آماده کردیم و افتخار میزبانی از آنان را داشتیم.



کار روزه نباید زمین بماند

۴ موحدیان فردرکنار شغلش، سال هاست در زمینه برپایی روزه هفتگی در منزلش و امور مسجد فعالیت دارد و عضو هیئت امنای پایگاه بسیج، شورای معتمدان و شورای محله شهید قربانی است. از همراهی مدیران محل کارش که برای این فعالیت های فرهنگی با او همکاری می کنند، قدر دانی می کند و درباره ادامه این مسیر می گوید: تا وقتی زنده باشم، این راه را ادامه می دهم. بارها پرسیده اند باین همه هزینه، چگونه از پس برگزاری روزه برمی آیم، اما همیشه باور داشته ام روزی این مجلس را خود اهل بیت (ع) می رسانند. او مهم ترین پشتوانه خود را همراهی خانواده می داند و می گوید: همسر و فرزندانم عاشق این سبک زندگی هستند. هر وقت خسته می شوم، همسر می گوید کار روزه نباید زمین بماند. در پایان خاطره ای از چند سال پیش نقل می کند: روزی که دچار ایست قلبی و به بیمارستان منتقل شدم، خانواده تا پایان مراسم روزه کنار مهمانان ماندند و بعد از تمام شدن مجلس به عیادت آمدند؛ به لطف اهل بیت (ع) دوباره سلامتی ام را به دست آوردم.

میزبانی از زائران در خانه پدری

۶ فعالیت فرهنگی و اجتماعی آقای موحدیان فردر خانه و زندگی خودش یا مسجد منحصر نمی شود؛ بلکه به خانه پدری هم کشیده شده است؛ گویا می خواسته آن روزه ها و حال و هوای ایام کودکی اش دوباره احیا شود؛ «منزل پدری، دیوار به دیوار منزل ماست. سال ۱۴۰۱ که مادر به رحمت خدا رفت، ما هفت فرزند به عنوان ورثه تصمیم گرفتیم حالا که توان مالی نداریم تا از خودمان برای والدین خیرات کنیم، حداقل مال وارثیه خودشان را برایشان خرج کنیم؛ این شد که علاوه بر روزه و دورهمی خانوادگی مان که ماهیانه در خانه پدری برگزار می شود، شنبه های اول هر ماه نیز روزه برپا می کنیم. هر وقت هم در روزه های هفتگی خودمان یا مراسم و مهمانی های اهالی محله جاکم باشد، از آنجا استفاده می کنیم. خانه پدری البته زائر سرا هم هست؛ برخی زائران که کشیک حرم دارند یا افراد نظامی که برای مأموریت به مشهد می آیند و قصد استفاده از امکانات سازمانی راندارند، یا زائرانی که در جای خانه حرم از محل اسکان پرس و جو می کنند، در خانه پدری به صورت رایگان اسکان می یابند و پذیرایی روز اول هم با خودمان است. گاهی هم که شرایطش باشد، دعوت می کنیم بیایند منزل خودمان غذا صرف کنند. همچنین در حد وسعمان یخچال را برایشان پر می کنیم تا با خیال راحت و بی دغدغه این چند روز را در مشهد بگذرانند.»



هم در همین فضا رشد کرده اند و حتی گاهی خودشان، ما را به شرکت در مراسم مذهبی تشویق می کنند. به گفته جواد آقا، این سبک زندگی بر تصمیم های مهم خانواده نیز اثر گذاشته است؛ «دختر بزرگمان همین چند وقت پیش ازدواج کرد. مهریه اش فقط سفر کربلا بود و مراسم عروسی را هم بدون تشریفات و بایک ولیمه ساده برگزار کرد. ما باور داریم هر جاکارا به خدا و اهل بیت (ع) سپرده ایم، بهترین نتیجه را گرفته ایم.»

قرار دوستانه ای که خانه را حسینیّه کرد

۳ خیلی اتفاقی خانه موحدیان فر شبیه حسینیّه شد. به برکت یک قرار هفتگی دوستانه؛ پنج نفر با هم دوست بودیم که سال ۸۰ تصمیم گرفتیم پنجشنبه ها کنار هم ناهار بخوریم تا هم درباره مشکلات محله صحبت کنیم و هم جمعمان پا برجا بماند. یک بار که حاج رضا گرمابی، از مداحان مشهد مهمانمان بود، پیشنهاد کرد دورهمی مان همراه روزه برگزار شود و خودش هم تقبل کرد که برای شروع، مداح جلسه باشد؛ به این ترتیب روزه هفتگی مان در منزل ما پا گرفت؛ خیلی مختصر و ساده با زیارت عاشورا و ذکر مصیبت.» کمی بعد، همین جمع کوچک و روزه خانگی ساده تبدیل شد به پایگاه اطعام هفتگی افراد بی بضاعت؛ «کم کم از همه محله و حتی محلات دیگر به جمعمان پیوستند و حالا تعدادشان به صد نفر یا بیشتر می رسد. اطعام روزه هم با هزینه شخصی خودم و بانیان و خیران تأمین شد تا سال ۸۵ که تصمیم گرفتیم باتوجه به محرومیت منطقه و ضعیف بودن وضعیت معیشتی خانواده ها، روزه و اطعام به شب جمعه منتقل و تعداد اطعام هم بیشتر شود؛ به این ترتیب با کمک مالی همسر، وسایل و ظروف مورد نیاز برای پخت و پز در تعداد زیاد و دیگ و اجاق گاز را تهیه کردیم و از آن زمان تا کنون هر سال حدود ۱۲ هزار پرس غذا به رایگان با کمک خیران برای نیازمندان منطقه می پزیم. شناسایی ۳۵۰ خانواده دریافت کننده اطعام نیز با کمک بسیج از بین ۸۰۰ خانوار متقاضی در محدوده پنچتن، میثم و شهید قربانی، صورت گرفته است.»

سر سفره اهل بیت (ع) نشستیم

۵ جواد آقا بزرگ ترین برکت سال هاروزه داری رالطف و عنایت اهل بیت (ع) می داند و می گوید: هیچ وقت احساس نکرده ایم چیزی در زندگی مان کم است. بارها در سخت ترین شرایط، گره ها به لطف اهل بیت (ع) باز شده و کارها پیش رفته است. محرم امسال با وجود تنگنای مالی، یک دهه مراسم برگزار کردیم و هنوز خودمان هم از این لطف شگفت زده ایم. او ادامه می دهد: شاید از بیرون، این سبک زندگی سخت به نظر برسد اما برای ما سرشار از شیرینی و آرامش است. اگر سختی هم باشد، به عشق اهل بیت (ع) و امام زمان (عج) تحملش می کنیم. به گفته این خدمتگزار اهل بیت (ع)، برکات این مسیر تنها به زندگی خودش محدود نشده است و فرزندان نیز موفقیت هایشان را نتیجه همین فضای معنوی می دانند. حتی داماد خانواده هر هفته با حضور در مراسم، به اهالی محله مشاوره حقوقی رایگان ارائه می دهد.

همه خانواده زیر خیمه حسین (ع)

۷ شاید با شنیدن روایت سال هاروزه داری و میزبانی از عزاداران، تصور کنید خانه موحدیان فردر، خانه ای بزرگ و مجهز است؛ اما همه این برنامه ها در منزلی کمتر از صد متر مربع برگزار می شود. فضای پذیرایی هم بیش از آنکه شبیه خانه های امروزی باشد، حال و هوای یک حسینیّه کوچک را دارد؛ کتیبه «زیر خیمه حسینیم»، پرچم ها، شمعدان ها، مهر و کتاب های دعا، مهمانان را از همان بدو ورود با فضای معنوی خانه آشنای می کند.

الهه حسین زاده، بانوی خانه که بیش از ۲۶ سال در این مسیر همراه همسرش بوده است، می گوید: از همان سال های اول زندگی مشترک، برگزاری روزه را بادل و جان پذیرفتم و خودم هم در ایام فاطمیه و مناسبت های مذهبی، مراسم ویژه با نوان را برگزار می کنم. باورمان این است که مهم، رضایت امام زمان (عج) و خدمت به اهل بیت (ع) است؛ دنیا به هر حال می گذرد.

او، همراهی زن و شوهر را از ماندگاری روزه های خانگی می داند و ادامه می دهد: اگر همسران در این مسیر پشتیبان هم باشند، کار دوام پیدا می کند. خدا را شکر فرزندانمان



روایت نگهبانی که با شیوه‌ای متفاوت، دختران و بانوان را به رعایت پوشش حجاب دعوت می‌کند

گلی به اسم وقار

۳



راه تجربه

زهرارشبعی | وسط پارک همان طور که نگاهش به گلدان توی دستش دوخته شده، هم ذوق زده است و هم مات و مبهور؛ چرا من؟ اصلاً به چه مناسبت؟ نه تولدم است نه عید یا مناسبت خاصی! مرد هم سکوت کرده است تا شاید خودد ختر متوجه شود که ناگهان یکی از همراهان خانم بلند می‌گوید: «به خاطر چادر است.» و او را از هجوم سوالات بی پاسخ این چند دقیقه رهایی‌کننده، حدسش کاملاً درست است، چون بین همه خانم‌های جوان و نوجوان جمع، پوشش کاملی دارد. اما این بانو تنها فرد محجبه‌ای نیست که از محمود کریمیان، نگهبان حفاظت فیزیکی سالن ورزشی شهید ناصری، هدیه می‌گیرد.

● هدیه‌ای که تکثیر شد

ماجرای این قرار است که محمود کریمیان، یکی از نگهبانان حفاظت فیزیکی سالن ورزشی شهید ناصری در محله خواجه ربیع که حدود نیمی از عمرش را در این خدمت گذرانده است، ۱۰ سالگی می‌شود بایک ایده جالب، در زمینه حجاب و امریه معروف و نهی از منکر فعالیت می‌کند. او که علاقه خاصی به گل و گیاه دارد، می‌گوید: این علاقه در وجودم بود و فقط یک جرقه برای بیدار شدن می‌خواست که آن هم سال ۹۶ زده شد؛ وقتی معاون فرهنگی وقت منطقه شهرداری، به مناسبت نوروز به ما گلدان هدیه داد. دیدم چه کارشناسی، چرا من این کار را نکنم! این شد که با چند گلدان حسن یوسف که هم خوش قیمت بود و هم به راحتی با هر محیطی سازگار می‌شد، شروع کردم به پرورش گل در خانه؛ با قلمه زدن و تکثیر آن چند گلدان و اضافه شدن گل‌های دیگر مثل سانسوریا، کار به جایی رسید که دیگر فضایی برای نگهداری نداشتم؛ تعدادی را به محل کار منتقل کردم و آنجا هم یک گلخانه کوچک شکل گرفت.

زیاد شدن تعداد گل و گلدان‌ها آقای کریمیان را به این فکر انداخت که گل هم می‌تواند در فهرست وسایلی که تا آن زمان به دختران با حجاب هدیه می‌داد، قرار گیرد؛ «همیشه عادت داشتم به افراد محجبه به خصوص کودکان و نوجوانان شکلات یا گیره روسری هدیه کنم تا تشویق شوند اما با زیاد شدن گلدان‌ها به ذهنم رسید که گل و گیاه هم هدیه خوبی است، به ویژه اینکه خانم‌ها خیلی گل دوست دارند. به این ترتیب دختر بچه‌های با حجاب را که به سالن ورزشی می‌رفتند، با گیره روسری و شکلات تشویق به پوشیدن چادر می‌کردم و وقتی چادری می‌شدند، به آن‌ها گلدان هدیه می‌دادم یا وقتی می‌دیدم خانمی جوان میان یک جمع بی حجاب، محجبه است به او هدیه می‌دادم.»

او که تا به حال حداقل صد گلدان با هزینه شخصی به افراد محجبه هدیه کرده است، همان طور که جواب سلام و احوالپرسی عابران را می‌دهد، با تأکید می‌گوید: گلدان‌ها مشتری زیاد داشت. از خانم‌ها گرفته تا آقایان محل کارم. ولی به هیچ وجه آن‌ها را نفروختم. تا همه راه‌دهنده دادم و الان فقط چندتا مانده است.

● احساس وظیفه، حتی در مسیر رفتن به سرکار

امر به معروف و نهی از منکر برای آقا محمود به سالن شهید ناصری و فضای سبز اطراف آن خلاصه نمی‌شود؛ هر جا احساس کند می‌تواند با مهربانی قدمی بردارد. از خیابان گرفته تا جمع‌های خانوادگی و محل کار سابقش، همین شیوه را ادامه می‌دهد.

او می‌گوید: معمولاً مسیر محل کارم را پیاده می‌روم. اگر دختر محجبه‌ای، به ویژه قبل از سن تکلیف ببینم، تشویقش

با این موضوع موافق نبوده است.

● حرف فراموش می‌شود؛ گل می‌ماند

غلامیان، یکی از بانوانی که شش هفت سال پیش گلدان هدیه گرفته است، جوری که انگار همین امروز این اتفاق افتاده، با ذوق تعریف می‌کند: من و دخترم به سالن ورزشی بهمن رفت و آمد داشتیم؛ خودم اوایل عمامی پوشیدم اما از وقتی آقای کریمیان پدرانه گفت چادر به عنوان حجاب حضرت فاطمه (س) بهتر است، چادر پوشیدم و یک گلدان پتوس زیبا هدیه گرفتم. برایم جالب بود که یک نفر، آن هم با حقوقی ناچیز، از جیب خودش برای حجاب داشتن دیگران هدیه بخرد. پرسیدم حالا ضروری است که حتما هدیه بدهید؟ شفاهی بگوئید، کافی است. پاسخ داد: «اولاً راه امام زمان (عج) است. ثانیاً اگر فقط حرف باشد، فراموش می‌شود ولی گل می‌ماند.»

او با اشاره به اینکه دخترش هم به خاطر تشویق‌ها و گیره روسری‌ای که از آقای کریمیان هدیه گرفته، طوری تشویق شده که در ده سالگی محجبه است، ادامه می‌دهد: آقای کریمیان معتقد است ارزش و جایگاه بانوان خیلی بالاست؛ به همین دلیل نباید خود را به راحتی در معرض دید همگان قرار دهند. همه را دختران خودش می‌داند و به عنوان یک پدر یا عموی دلسوز و مهربان خیلی غصه می‌خورد که چرا دختران پاک ماتحت تأثیر تبلیغات دشمن و بدخواهان به بی حجابی کشیده می‌شوند؛ به همین دلیل هر جا از هر فرصتی برای ترویج حجاب استفاده می‌کند. مثلاً حتی برای جشن تکلیف دخترم جایزه گرفت یا برای مشارکت در یک لوازم تحریر که هر سال برای نیازمندان تهیه می‌کنیم، دفترهایی می‌خرم که تصویر دختران محجبه داشته باشند. زمان اغتشاشات سال ۱۴۰۱ هم با وجود فضای منفی جامعه علیه حجاب، بدون هیچ ترس و واکنشی با محبت و ازار سر دلسوزی، پدرانه با دخترها صحبت و تشویقشان می‌کرد و سبب می‌شد کمتر تحت تأثیر فضای آن زمان قرار بگیرند.

ماجرای یک گیره روسری هدیه می‌دهم و می‌گویم اگر از آن استفاده کنی، حجاب کامل تری می‌شود. اگر هم نوجوان یا جوانی چادری در جمعی باشد که همراهانش حجاب کامل ندارند، یک گلدان کوچک کادو پیچیده شده با جمله‌ای از بیانات رهبر شهید درباره حجاب به او هدیه می‌دهم. ترجیح می‌دهم این کار در جمع انجام شود تا دیگران هم به رعایت حجاب تشویق شوند. خاطره‌ای هم از دوران مسئولیتش در سالن ورزشی بهمن دارد: «روزهای اول به دخترها گفتم دوست ندارم در شیف من با پوشش نامناسب حاضر شوید؛ حیف این موهای زیبای شماست که نامحرم ببینند. خود بچه‌ها پذیرفتند اما بعضی از مادرها مخالفت می‌کردند و می‌گفتند هنوز کوچک‌اند. برایشان توضیح دادم که بیرون از خانه، فرقی نمی‌کند مهد کودک باشد، مدرسه، خیابان یا باشگاه؛ هر محیطی پوشش متناسب خودش را می‌خواهد. حدود یک ماه طول کشید تا مادرها هم قانع شدند و از آن پس، بچه‌ها باروسری در سالن حاضر می‌شدند.»

او تأکید می‌کند: این شیوه امر به معروف را با اعتقاد انتخاب کرده‌ام و اگر هم کسی مانع می‌شود، از انجام وظیفه شرعی‌ام دست نمی‌کشم. خوشبختانه بیشتر کسانی که هدیه می‌گیرند، استقبال می‌کنند؛ بعضی‌ها ذوق زده می‌شوند و حتی اشک می‌ریزند. البته مواردی هم بوده که خود دختر به حجاب علاقه نداشته اما خانواده، به ویژه پدرش،

عکس: نفیسه فرخی/شهرآرامش



ساعتی با جهادگران ززند که عشق خدمت به مهمانان رهبر شهید، آن‌ها را به مشهد کشاند

عطر نان، طعم ارادت

۳



عیدگاه

همسر زنده‌اش زندگی کرد و بهای این وفاداری را با آلوده شدن به گازهای شیمیایی پرداخت. با وجود این تجربه‌های گران، غم شهادت آقا برایش یک چیز دیگر است و با صدایی لرزان و چشم‌هایی پر اشک این طور بازگویش می‌کند: نمی‌توانم قبول کنم فردای خواهم پیکر آقا را بسپاریم به خاک. خیلی دوستش داشتم. چون یقین دارم آقا امام حسین^(ع)، این ذریه و نواده‌اش را خیلی دوست داشت.

برای رهبر جوان آرزوی سلامتی و طول عمر می‌کند و با امیدواری به پیروزی جبهه حق ادامه می‌دهد: برای من و اعضای این کاروان، فرقی ندارد در مسیر کربلا به زائران ابا عدا... خدمت کنیم یا بیاییم مشهد در خدمت زائران آقای شهید باشیم. این خط، واحد است.

● بوی نان خانگی در کوچه‌های محله

خانم هاکم کم دارند از خواب بیدار می‌شوند و دراز کشیده یا نشسته، خوش و بش یاد و روبری هایشان را با گویشی شیرین و گوش نواز، شروع می‌کنند. هنوز دو ساعت فرصت دارند برای تشریف به حرم و زیارت امام هشتم^(ع). می‌دانند نماز جماعت مغرب و عشا که در مسجد تمام شود، باید روپوش‌ها و روسری‌های سپیدشان را به تن کنند و جمع شوند در حیاط مسجد تا ۱۲ نیمه شب. تنورها که روشن شود، عطر نان خانگی هم هوای کوچه‌های اطراف را بغل خواهد کرد: نان‌هایی که شمارشان در هر روز به بیش از ۲ هزار می‌رسد و پس از طبخ، می‌رود برای توزیع میان زائرانی که در مساجد، حسینیه‌ها و منازل اهالی محله خیرآباد، اسکان پیدا کرده‌اند.

به میان می‌آید، بی‌آنکه بخاورد نام و نشانی از او جایی درج شود. یک جمله می‌گوید و با گوشه چارقد سیاه، اشک‌هایش را پاک می‌کند: «آقا را که شهید کردند، تازه فهمیدم یتیمی یعنی چه.»

● خط ممتد پیروزی

صدیقه سلطانی با صدایی آهسته صحبت می‌کند تا مبادا مزاحم استراحت بانوانی شود که در شبستان مسجد خوابیده‌اند. مسئول واحد بانوان این گروه مردمی است و سال‌ها تجربه برای ترتیب دادن سفرهای جهادی، او را در این کار خیر آبدیده کرده است: سفرهای نیمه شعبان به مقصد قم، ایام میلاد امام رضا^(ع) در مشهد و ایام اربعین در کربلا. در این ۵۷ سالی که از خدا عمر گرفته، فراز و فرودهای ناشماری را از سرگذرانده است؛ مثلاً آن دوسالی را که در بجنوبه جنگ تحمیلی، در اهواز جنگ زده، کنار

فرزانه شهادت^(۱) حق داشتند خسته باشند. ساعت ۲:۳۰ با مدام ۱۱ صبح، یکسره پای تنور ایستاده بودند. آن هم در گرمای شبانه‌روزی تیرماه مشهد. هشتاد شیرزن و جوانمردی که رنج سفر را از ززند کرمان تا مشهد به جان خریده بودند، یکی از گروه‌های جهادگری بودند که قلبشان از عشق به رهبر شهید لبریز بود و آمده بودند تا در سکوت اخلاص و گمنامی مطلق، به مهمانان مراسم بدرقه پیکر ایشان خدمتی کرده باشند. هفدهم تیرماه، وقتی یک روز به مراسم تشییع پیکر رهبر شهید باقی مانده بود، در جمع این خادمان ولایت، پای حرف‌هایشان نشستیم که در قسمت خواهران مسجد الزهرا^(س) واقع در کوچه المهدی ۱۵ محله خیرآباد اسکان گرفته بودند.

● تازه فهمیدیم یتیمی یعنی چه

پنج روز است که جهادگران ززند به مشهد رسیده‌اند و در این سفر، مثل همه اردوهای جهادی که تا به حال، به گوشه و کنار کشور داشته‌اند، هزینه‌ها را با مناعت طبع و بدون روزدن به فلان نیکوکار یا فلان نهاد، خود پرداخت کرده‌اند؛ هرچند که تأمین آن برای برخی اعضا به واسطه شرایط مالی نه چندان مساعدشان، با دشواری‌هایی همراه است، مثلاً برای بانوی میان‌سالی که همسرش را از دست داده و مخارج زندگی را با پختن نان برای دیگران، جفت و جور می‌کند. دشواری گذران آبرومندان زندگی را از دست‌های چروکیده‌اش می‌شود فهمید و ارادتش به آقای شهید را از اشک‌هایی که بی‌مقدمه روی گونه‌های لاغرش، جاری می‌شود. وقتی صحبت از شهادت مظلومانه ایشان



روایت بانوانی که از دل یک جلسه دینی به مشارکت اجتماعی رسیدند

سه‌شنبه‌های گلشور بستری برای خدمت

۴

● هر هفته با رنگ و بوی یک مناسبت

به گفته او، هدف این جلسات تنها برگزاری یک مراسم مذهبی نیست، بلکه تلاش شده است بانوان محله از برنامه‌های معرفتی بهره‌مند شوند و در کنار آن، مسجد نیز به محور فعالیت‌های فرهنگی محله تبدیل شود. رادی می‌گوید: همیشه اعتقاد داشتم اگر هر محله بتواند مسجد خودش را فعال کند، در نهایت شهری خواهیم داشت که مسجد در آن، محور زندگی اجتماعی و فرهنگی مردم است. برای همین تصمیم گرفتیم این مسیر را از محله خودمان آغاز کنیم.

«سه‌شنبه‌های فاطمی» هر هفته متناسب با مناسبت‌های مذهبی برگزاری می‌شود و برنامه‌هایی مانند سخنرانی، روضه و مولودی خوانی را در بر می‌گیرد. در مناسبت‌های ویژه نیز بخش‌های متنوع‌تری مانند اجرای سرود، دکلمه و نمایش به آن اضافه می‌شود.

● از روضه تا خدمت به مردم

رادی یکی از برکات مهم «سه‌شنبه‌های فاطمی» را تقویت روحیه همدلی و مشارکت میان بانوان محله می‌داند. او می‌گوید: این جلسات فقط یک برنامه مذهبی نیست؛ دوره‌هم جمع شدن بانوان، هم یادآور سیره و اخلاق حضرت فاطمه^(س) است و هم زمینه انجام کارهای خیر و فعالیت‌های جهادی را فراهم می‌کند.

به گفته او، این همراهی در مناسبت‌های مختلف به خوبی دیده می‌شود؛ از آماده‌سازی مسجد و پذیرایی از زائران گرفته تا مشارکت

سکینه تاجی^(۲) آنچه «سه‌شنبه‌های فاطمی» در مسجد امام سجاده^(ع) را از یک جلسه هفتگی مذهبی متمایز کرده، پیوند میان معرفت دینی و مشارکت اجتماعی است. برنامه‌ای که بیش از یک سال است بانوان محله گلشور را گرد هم آورده و از دل آن، فعالیت‌های فرهنگی و خیرخواهانه متعددی شکل گرفته است.

● دغدغه‌ای که یک حرکت فرهنگی شد

پیش از شروع مراسم، صدای همه‌همه آرام بانوان در شبستان مسجد پیچیده است. عده‌ای مشغول خواندن دعا هستند و چند دختر نوجوان با سینی‌های پذیرایی میان جمع رفت‌وآمد می‌کنند. دقایقی بعد، سکوت فضای مسجد را فرامی‌گیرد و سخنران درباره سیره و فضیلت‌های اخلاقی حضرت فاطمه زهرا^(س) سخن می‌گوید. در گوشه‌ای از شبستان، سکینه رادی با لبخند به جمعیت نگاه می‌کند؛ جمعی که حاصل بیش از یک سال پیگیری و دغدغه‌اوست.

او درباره انگیزه شکل‌گیری «سه‌شنبه‌های فاطمی» می‌گوید: همیشه دوست داشتم برای حضرت زهرا^(س) قدمی بردارم؛ کاری که باعث شود مردم، به ویژه بانوان و دختران نوجوان، بیشتر با شخصیت و سبک زندگی آن حضرت آشنا شوند. سال‌ها به برگزاری چنین جلسه‌ای فکر می‌کردم اما شرایط برگزاری آن در منزل را نداشتم. بعد به ذهن رسید از ظرفیت مسجد محله استفاده کنم. مدتی پیگیری کردم تا بالاخره توانستیم این برنامه را در مسجد امام سجاده^(ع) راه بیندازیم.



در برنامه‌های ماه محرم، ماه رمضان، شهادت امام رضا^(ع) و اعیاد مذهبی. باقری می‌گوید: هر زمان مسجد به کمک نیاز داشته باشد، بانوان محله بادل و جان پای کار می‌آیند و هر کس به اندازه توانش، سهمی در خدمت دارد. طایفه قنبرزاده از ساکنان محله طلاب و از اعضای ثابت جلسات «سه‌شنبه‌های فاطمی»، این دوره‌های هفتگی را فرصتی برای رشد معنوی و تقویت همدلی میان بانوان می‌داند. او می‌گوید: این جلسات فقط به افزایش آگاهی دینی محدود نمی‌شود؛ وقتی بانوان در فضای مسجد کنار هم جمع می‌شوند، ایده‌های خوبی برای خدمت به محله شکل می‌گیرد و همین همدلی، زمینه انجام کارهای فرهنگی و اجتماعی را فراهم می‌کند.

او با اشاره به مشارکت بانوان در مناسبت‌های مختلف ادامه می‌دهد: برای برنامه‌هایی مثل اعتکاف، پذیرایی از زائران و دیگر مراسم مذهبی، خانم‌ها با همفکری و همکاری، فضای مسجد را آماده می‌کنند. این فعالیت‌ها هم روحیه مشارکت و نشاط اجتماعی را در بانوان تقویت می‌کند و هم گامی در مسیر ترویج فرهنگ و معارف اهل بیت^(ع) است.



عیدگاه



طلاب، گلشور، ایثار، تلگرد، وحید، فجر، رده، پنجتن، شهید قربانی
التمور، کوی مهدی

محلات منطقه‌ها

راه آهن، فاطمیه، گاز، مسلم، دروی، سپس آباد، طبرسی شمالی، عباس آباد
رسالت، خیرآباد، بهمن، خواجه ربیع، مهرمادر، بلال، قرقی، مهرگان



نانونایی محمدپور از پنج سال پیش تاکنون ایده «دیوار همدلی و مهربانی» را اجرایی کند. اهالی نیز با تقبل هزینه نان‌های صلواتی، این نانونایی را امین خود در کمک‌رسانی به نیازمندان قرار داده‌اند.



مسجد الزهرا (س) تنها بنای مذهبی این کوچه و کوچه‌های اطراف است و داشتن دو ورودی از داخل معبر و میدان بار، باعث تسهیل حضور کسبه و اهالی در آن شده است.

۱۸۵ متر ترافیک!

فرزانه شهامت اکوچه شهید میرزایی ۳۴، با طول ۱۸۵ متر و برخورداری از پنج فرعی، یکی از پرترافیک‌ترین کوچه‌های منطقه ۳ به شمار می‌رود. دلیل این ترافیک، هم‌جواری با میدان بار نوغان است که یکی از اضلاع کوچه را به تمامی به خود اختصاص داده است. به گفته اهالی، میزان ازدحام خودروها و عابران پیاده در این کوچه، طی روزها و ساعت‌های دایر بودن یا تعطیلی میدان بار، از زمین تا آسمان، تفاوت دارد.



علی جاوید، زاده و بزرگ شده این محله است. او که در این معبر سوپرمارکت دارد، از بی‌توجهی بسیاری از رانندگان به یک‌طرفه بودن کوچه، گلّه‌مند است و حضور پلیس راهور برای برخورد با تخلفات را ناکافی می‌داند.



ناکافی بودن فضای پارکینگ در میدان بار و سرریز خودروهای سواری مشتریان، مشکلات ترافیکی در این معبر را مضاعف کرده و باعث شکل‌گیری رقابت بین رانندگان برای پیدا کردن جای پارک شده است.

پیاده‌رو این معبر، با ناهمواری‌های متعدد، تردد را برای عابران پیاده با دشواری مواجه کرده و نیازمند لکه‌گیری و بهسازی است.